

مجاهدین و ناگفته‌های ماجراجویانه

درخواستی که به جمعی اوضاع سیاسی، احزاب، حاکمیت و کنگره‌های
تولیدی موجود، بسیج از طرفی و جنبش‌های سنجیده و بوده‌ای را که
سواستدستی و کسری مبارزه و مقاومت بوده‌ای ناری رسا است. اما
مراوان سرچو را گرفته است. ما با سران موج از ناگفته‌های آنا رسمی و احزابی
در جنبش انقلابی روس و گنگنه به کندی نامه آن به درون حسن کمیونیستی
کشیده شده است. برای جاسوسی و ناگفته‌های آنا رسمی تا کنگره سرور، ما توجه
به عوارض و آنگاه‌های ما مطلوب و برپا است. آن‌ها در یک مبارزه با دشمنان و یک
تا کنگره‌های آنا رسمی و حردی سرزوانی و غیرتوده‌ای را در دستور کار رسیده‌ای
آنگاه و رولیا ربا بر داده است. لیکن سپاه از ما بزرگ‌تر که غیرتوده‌ای است
تا آنا تا کنگره‌ها، آن‌ها قوت فوق‌العاده و نیروهای دگرگون‌ساز شده
است. آن‌ها برای است در درون جنبش انقلابی، این وضعیت ما را موقوف می‌سازد
ضمن مبارزه با دشمنان و یک فعال و همه جا سبب این احزاب در درون جنبش
ارجمه انقلابی و اما ارتشای آن و از همه صبار و جو یا نه آن در بر ما
کرد طبقی است که این حمایت طبقه‌ها به معنی حمایت رسمی آنها نخواهد بود
با توجه سدابین سگته طبقی است که ما هرگز آن را نمی‌توانیم که دشمنان انقلاب
رژیم جمهوری اسلامی و رژیم روسیه‌ها را منحصر آن، از این استثنا در بدست
سیاسی و اختلافات تاریکی ما به نفع خود بهره‌گیری نماید. رژیم جمهوری اسلامی
بقیه در صفحه ۲

کارگران چنان همواره شوید.

۱۱۶

سنگار

سازمان پیگیر در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه نهم شهریور ۱۳۶۰ - شماره ۱۱۶

بهبست موعود خمینی!

خمینی: باغبان بهشت یا مالک دوزخ؟! *

خمینی، در سال ۵۷، زمانی که ما تزلزل بیمار و
بناشید بجهت از حواسهای اسلامی شده‌ها مریضا را نشد
میگوشد بر امواج جروسان شده‌ای سران بود، ما سرا اسپان
از نا آنگاه می‌توده‌ها و عدم وجود سبب کنگره‌های
مبارزات زحمتکاران، از با ریبین و عده مبارز که ما
مورد نظر و روشی بهشت است. او از "زادگی و" عدالت
اجتماعی و "حوسختی ستمدانگان و... من منگوشد و
دجال وار مردم را میفریبت. اکثر او بهشت موعود
خود را بر روی زمین بنا کرده است:

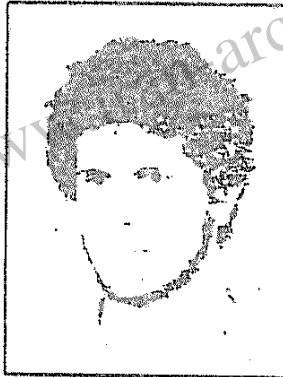
- در این "بهشت" کارگران و زحمتکاران در شهر
ها و روستا‌ها هیچ سهمی از منافع زحمتکاران ندارند
بلکه علاوه بر فقر و بیگاری، و همه را رنج و محرومیت روز
افزون بیش از ۴ میلیون نفرمان سگته است.

- اسکان خورستان در سینه‌های سگته‌ها می‌بینی
ایران و عراق به خرابی و نا برتری کشیده شده و علاوه بر
۴ میلیون نفر آوارگان و هزاران سگته‌ها آن خود را آن
دست داده‌اند، میلیاردها تومان خسارت ملی به
تاسیسات نفتی و معنوی و در کنگره‌های زمین
حاصل شده است.

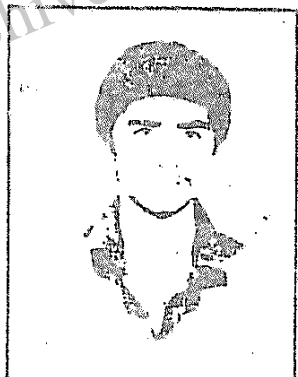
"حزب توده" و
"فدائیان اکثریت"
نوکران و جاسوسان
جلاده رژیم
جمهوری اسلامی

کاروان سرخ صد‌ها شهید کمونیست و

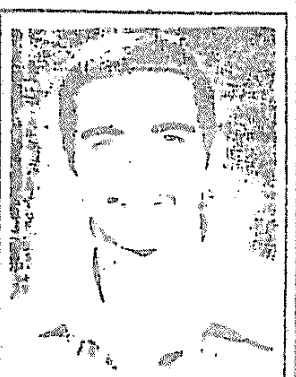
انقلابی، ناقوس حرکت رژیم را می‌نوازد



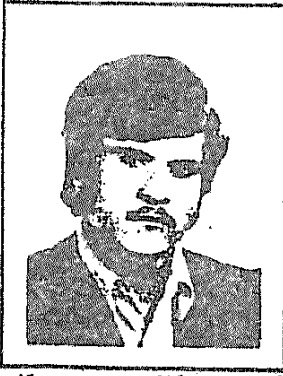
کمونیست مبارز رژیم خمینی شهید شهید
شیرازان بدست رژیم جمهوری اسلامی



کمونیست مبارز رژیم خمینی شهید شهید
شیرازان بدست رژیم جمهوری اسلامی



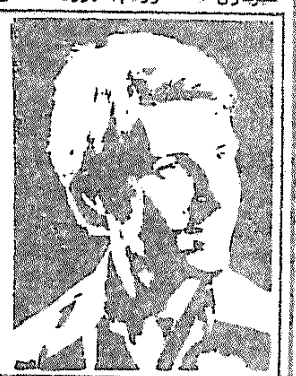
کمونیست مبارز رژیم خمینی شهید شهید
شیرازان بدست رژیم جمهوری اسلامی



کمونیست مبارز رژیم خمینی شهید شهید
شیرازان بدست رژیم جمهوری اسلامی



کمونیست مبارز رژیم خمینی شهید شهید
شیرازان بدست رژیم جمهوری اسلامی



کمونیست مبارز رژیم خمینی شهید شهید
شیرازان بدست رژیم جمهوری اسلامی

سنگون یاد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

گزارشی از نخستین مراسم بزرگداشت شهیدان کمونیست

در آرامگاه بلشویکها

پدریگی از رفقای شهید:

گریه نکنید! مردان بزرگی در اینجا خوابیده اند

روز پنجشنبه، مرداد ماه مناسب چهلمین روز شهادت رفقا: حسن قاضی، علیرضا رحمانی، انام گلشن و... به محلی واقع در پشت گورستان آرامگاه کورستان، مراسم بزرگداشت شهدای کمونیست برگزار شد. در این مراسم که در محل آرامگاه شهدای کمونیست در گورستان کورستان برگزار شد، شرکت کنندگان در ابتدا با تلاوت قرآن و مدح و ثناء شهدای کمونیست، روح پاک آن عزیزان را تسکین دادند. سپس در ادامه مراسم، سخنرانی‌های بسیار پرمعنی و تأثیرگذار از سوی مسئولان و فعالان سیاسی و فرهنگی انجام گرفت. در این مراسم، به نقش و جایگاه شهدای کمونیست در تاریخ ایران و جهان، به ویژه در دوران مبارزات انقلابی، اشاره شد. سخنرانان با بیان ویژگی‌های اخلاقی و علمی این بزرگان، بر اهمیت یادگیری از سوابق آن‌ها تأکید کردند. مراسم با تلاوت قرآن و مدح شهدای کمونیست به پایان رسید.

چنانکه از یادگار آن جناب و سرمایه‌ها را محکوم کرد و صاف طور که خود می‌کشند: کلمه‌های توانا پدیدار باشد!

خانواده‌ها مزار بلشویکها را غرق در گل‌های سرخ کردند

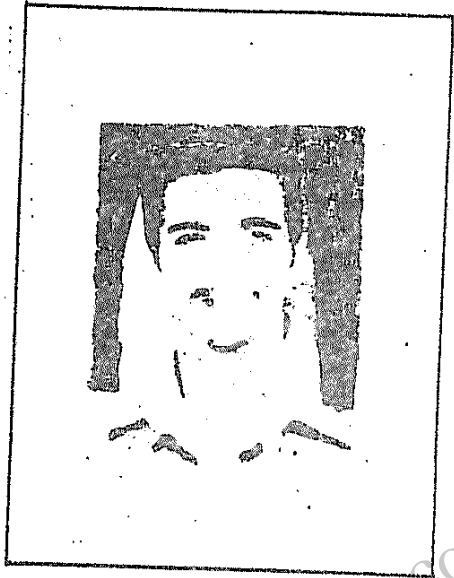
روی مزار هر رئیس حداقل ۲ شاخه گل سرخ کاشته شده بود و رفقا سرود شهیدان و ویلکا رقران را خوانده و منظره‌های شگرفی بود و رفقا یادای بلند و محکم و سیاه پشهای پراز خشم سرود خواندند. همسر یکی از رفقای شهید به پیشکش گفت: "پروپا رفقا برای پدرت سرود بخوان بروی مزار شهید که تا ۱۱ سال بیشتر شد صراحتاً با دستکرفتی می‌خواند. پدریگی از رفقا به خاطر آن‌ها می‌کند روحیه پیدا می‌کند و با دستکرفتی می‌خواند. مردان بزرگی اینجا خوابیده اند. ما باید جای گریه کردن با پیدرافقان و اادامه‌دهیم". همسر یکی از شهیدان خطاب به او فرمود: "میکشید خوش بچالکت که اینجمن مردی استفاده‌مردی". "صمیمتی بهرین خاطر ادها بسیار رشورا نکند و خود آن‌ها یک خانواده بزرگ بودند. همه یک یک پیش هم می‌رفتند و با یکدیگر دل‌داری میدادند و پیمان می‌بستند که راه رفقا نشان دادند."

خانواده رفقا حسن قاضی و علیرضا رحمانی به افتخار بزرگی از خانواده‌های ۱۵ رئیس اعدام شده در ۳۱ تیر تالیف مجلسی زرگری، مجید نکنداری، رفقا حسین علیخانی، عباس زماش، قدرت‌الله جبین، پختی، حمید رحمانی، احسان، داریوش، رفقا ادها سرافراحت بودند. پدر مزار یکی از رفقا شده‌های گل راداشد. در راه روی خاک تک تک رفقا کاشته بود و گل‌های سرخ استوار که در یادگان می‌خورند شکوه‌های پدر مزار رفقا می‌کشیدند. تک‌تک‌های کوچک بر سر هر یک از شهیدان کاشته شده بود. رفقا در آن لحظات بی‌سواد بود. روی سنگی که بر مزار رئیس شهید حمید رحمانی بود، این جملات دیده می‌شد:

"مردای کس؟ شد! شد!
زنده‌ای تا به باد
کی ترا خلق ترا مویش کند؟
تو چنین پند فکندی با مرگ
و تمام متن تو
آتش بی پایان بود
بلشویک و از بیاید چشمت
چو کند با دل چون آتش ما آتش تیر
خا شوده مزار یکی از رفقای شهید که با دست
بزرگ گل آتش و از شده‌ها را تک سرخاک یک -

یک رفقا می‌بردند و در نماز ممدت از رفقای شهید شایسته می‌کردند و هنگامی که به مزار رفقای شهرام (که پس از یکسال بدگورستان جدید منتقل شده است) رسیدند احتراماً معیت خود را پذیرفتند. شهیدان در جملات بسیار ساده و صمیمانه اظهار ارادت داشتند و سپس نقل‌نراوان سرخاک رفقا را نشان پاشیدند. تمامی خانواده‌ها در مقابل پای شهید و خاطر اتی نگاه داشتند و از انقلابی و دامن‌گشایی از ایمان مادام‌تداوم آنها به انقلاب و زحماتشان و اینکه چگونه همه چیز خود را در خدمت انقلاب و مبارزه گذاشته بودند و چگونه از آن‌ها شکر و قدسی گذارند و آرایش قدری را بدون در نظر گرفتن محرومیت اکثریت جامعه بدین حال داشتند دست کشیدند. بودند و چگونه آن‌ها را که بدست آوردند و بدین آنگه در فکر خرید چیزی برای خود یا شهید برای کمک به سازمان‌های مبارز می‌گذاشتند و چگونه با شوق فراوان از کارگران و زحمتکشان دفاع می‌نمودند. خود هر یکی از رفقای شهید از رهنما و ثوابی که مادر سرور ممدت زماش بودند، علیرضا محمل شده بود و می‌گفتند: "در خانه ما، منجمله زکری از دفاع قهرمانان رفقا در دادگاه می‌گفتند که چگونه بدست من دفاع از آرمان‌ها و اهداف رفقا می‌گذاشتند و چگونه در کارهای مبارزانه با سایر یارانشان همکاری می‌کردند و چگونه در کارهای مبارزانه با سایر یارانشان همکاری می‌کردند و چگونه در کارهای مبارزانه با سایر یارانشان همکاری می‌کردند. در این مراسم، به نقش و جایگاه شهدای کمونیست در تاریخ ایران و جهان، به ویژه در دوران مبارزات انقلابی، اشاره شد. سخنرانان با بیان ویژگی‌های اخلاقی و علمی این بزرگان، بر اهمیت یادگیری از سوابق آن‌ها تأکید کردند. مراسم با تلاوت قرآن و مدح شهدای کمونیست به پایان رسید.

خاطره کمونیست پیژانگر، رفیق شهید جمپور طرهماسبی در قلب زحمتگشان شعله ور است



رژیم جمهوری اسلامی همیون هر رژیم سرمایه داری دیگر که به سرکوب طبقات تحت استعمار می پردازد، از همان زورتمسب بیخبرین کینه ها را علیه آن دسسه سازها می نماید. انقلابی در قلب جرمین جویس اسپانسه بوده که منادی سروداشتی نابذیر طبقاتی بوده است و لفظهای از فکرنا بودی با راههای کمونیستی و انقلابی غلبه نشاند و پیش از همه جوانان ماروکسار کردن کمونیستهای بیگمرا در سر می برود است. و اگر چنانچه این مدت علیرغم همه جا ساک و بیگانه در آموزشهای آن و همه افتاده، ملت را در محسوس سرابلی که ناخواسته رژیم را در سرکوب سدی می نمود با بدست نه در هیچ قابل دیگر.

و اکنون پس از بارها سمریس خنای و کتیساری رژیم با خیال عمت خاموش کردن خطه های سوران سرود انقلابی حور آسیر ترا زهر زمان به میدان آمد، و در جویس راهی خوشی که بر او ایداع و ساید سید سیدی انحراف به خود و دوشه به جرمین جویس را در این میان با دیده ای نگاه می نماید. اما جویس را جویس با رمانی که با آلمان سرچ و شیر آتسی نا سدر جویس، که کشته شانی بر او ای را در دل رژیم بر او میکشد بوده است جاری است.

یکی از این رفتارها است که در کورخا به رژیم خمد و سلفه های آتسی با بدبیری شهرها را به سوختا داری این از ایستاد همچنان ربا شد کن است. رفیق جمپور طرهماسبی (عقاب است).

رفیق کمونیست بیگرا رگر شهید جمپور که مدتی در دوران جوانی ما بود که در جریان سپاه جمعه خا سازمان موحر و فرور و سلفا می دژ میمان حتمی بودا دار سید انقلاب و سرا فرا از از منقا و مت دلبر انداش کندی سیک آتشی عشق بیرونی را به ما آن بود، به نیتا نه ژسید زندگی و مرگ و تنوعی از زندگی و مرگ کمونیستیا و کسای است که در رژیم جمهوری اسلامی بدانان کندی- زورده زندگی و مرگی که جز خروش روحها و محروست های ستمگنان، جرمین جویس آلمان زحمتگنان، جرمین جویس بیگرا سار و سدر را در راهی کارگران و جز انحراف ایستادگی بیگرا با سدر بر سر استعدا داد کمونیستی چیزی در آن را ندانند و یا بیگانه است که در ستم کارگران و دهقانان و ستمیبدگان را به جویس سیکا مدسا سیکا جرمین و ولع ندان در سینه مان فرو کنند و چون جرمین را که در آن توان زندگی و سلفا کمونیستی و سیروی انقلاب می تواند سرکشد.

رفیق جمپور (عقاب است) در سال ۱۳۳۲ در روستای ما لنگران از توابع سها کل متولد شد، خانواده او یک خانواده دهقان زحمتگن بود که دیمی حاکم سلفا جرمین در حرف حیات با ربا میان شده و جویس از آن شهر و ربه روز جمپور متولد شد. سیرتا ربا به های سرما به داری، برای به جنگ آوردن لنگه های تن به کار رفتت بار داده اند. کودکی او همچون فرزندان همه زحمتگسان به به پرورش و شورا به گرسنگی گذشت، ما در زحمتگنان او

رفیق شحت تا سیرا سلفا از یک سو و بر خورده های منظم تر با رفقا می که مئی جرمینی را در کرده و از خط سیاسی - ایدئولوژیک بخش مستقیم سب از سب، مبخ، ا. پتیمیا می، میکرو و سندها سازمان بیگرا در راه آزادی طبقه کارگر و استگر مبراه جویس فرار دادند، و نطسی میا رزه ایدئولوژیک موفقی به سر زبندی با مئی جرمینی و رو به پیش و قبول تز سلفا ل اسپر با لیم شد. و در حرکت دانشجویان مبارز برای تسلیم در کارخانه ها عاقبت از مقام فعالانه شرکت میگرد. رفیق با دیگر رفقا، به تنگمرو بخش هرا اعلامیه ای که از زمان بدستان می رسید، می برداخت و اگر چه سورا به سلفا تنگمرو مستم و ستمیسی با سازمان نداشت لیکن رهسودهای آنرا بیگرا می بست و به تسلیم سواع سازمان می برداخت. رفیق جمپور در ۲۲ بهمن در تهران به سیر میبرد و خود با عشق و شور و اید اوصاف در جمله به با دگما سلفا و مها در سلاح شرکت داشت. پس از قبا مدوسا ره سلفا لامیجان برکت و در برهیا کردن شورا های مطلق کدیسه کا ز سلفی می می برداخت قبا لیت داشت و ضمنا اعلامیه ها و نشریات سازمان را که بدستان سیر سید بخش می نمود، رفیق خط زبانی داشت و بسیاری از در ستم نویسی هائی که از سلفا لب منتخبره می سلفا سازمان تهیه می شده خط او بود.

پس از جندی با گسترش دامنه فعالیت سازمان، و با گرفتن حوزه گیلان، را به مستقیم رفیق با سازمان برقرار شد و از زمان آغاز کار او و لین با سازمان در گیلان، در آنجا کار میگرد. رفیق در همان دوران نقش موشی در مبارزات دهقانی داشت و دهقانان رنجبری که در عمل او را شناخته بودند، شهرش را به بدل میگردند. براتیک انقلابی، کار رشتگیلاتی و زمینه طبقاتی رفیق، در هر گرام، همایل انقلابی اش را میقتل میداد، و پیش جوانان سلفا کمونیسم بسیاری می رساند، بدلیل لیاقت و شایستگی هائی که رفیق داشت، به درجه کا بدید عمو سازمان ارتقاء یافت و برای ادا فعالیت سازمانی به جاب مرکزی اعزام شد. فعالیت رفیق در این دوران در گمان ترین دوران فعالیت او از نظر رشد سیاسی - ایدئولوژیک و کار رشتگیلاتی بوده است. رفیق اکنون بخوبی به اهمیت نقش جویس به عنوان یک کمونیست و مسئولیت سنگینی که بر دوش بود واقف بود، بیگمیری و بیگنا کار سازمانی که با همه وجود در راه بر ضرر کردن فعالیت سازمانی است مخرج میداد، و از خطای رفیق بودا به دجتمیکیری گرفت، او در کار و جاسا زانه میگردید در کار می از راه بر فراز و نشیب و افتخار آرمیز بیگرا کمونیستی را در سیر راهی کارگران و رنجبران هموار ساخت. او اکنون چهره در گمان یکی از هزاران کمونیستی را بخود گرفته بود که در تاریخ خونین جنبش کمونیستی جهان بی پروولتا ربا سر فرا ز سر برداشت. او ذات و سر ستم جدا با افشای نداشت، یکی از میلموسها بوده ای بود

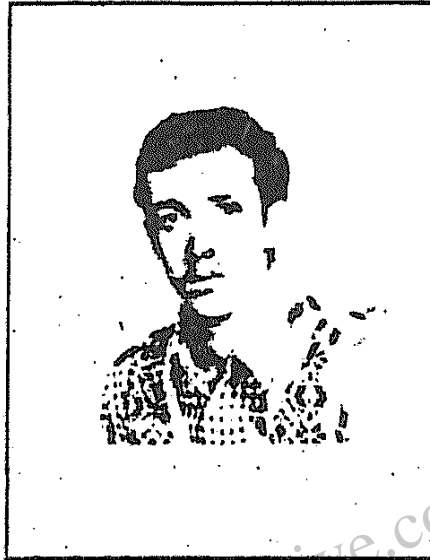
از کار روستا، رگا رگشده در "بهار" که محل جولان زانو است بر سر بیگماری در گذشت و در دوران دبستان سرمد در بجزر که در خانه ما لنگ ما لنگ کسار میگردید به لاتسمان فرسا دند. از همان دوران دبستان و سادوران دبیرستان هوش و استعداد فراوان او سرور پیدا کرد و در زمان دوران تحصیل صتا ز سیر سیر شاکر و کلاسی بود، پس از اهدا به سلفا، رفیق در همان شهر در مدرسه تالی مدیر به به تحصیل پرداخت، رفیق در این سالها علیرغم آنکه تحت تاثیر مئی جرمینی قرار داشت لیکن سورا به آگاهی و جویس یک فردا انقلابی آگاه بود، اما استک و در محیط دانشگاه علیرغم آنکه محط فعالیت سیر و مدتها جوی شدیدا جرمین و سلفا است. در رنج سیر سیرانی بود و آقا به بالاخره او در راه مبارزات سلفا دورا به میان دادن به سلفا سلفا رفیق را که جویس با سوست و کوشش آنرا لیس می نمود، در انقلاب یافت، اگر چه سوزما جرمین جویس های انقلابی روح در آن سالها در او نشود داشت، او در سال ۵۴ یکی از رهبران اعضا با سلفا تا شهری فراوان در شهردانست و با مددگرم، و پس از آن رفیق به عنوان یکی از افراد مورد توجه طین دستگیر شد و رژیم او را به جباری گسیل داشت، طی دو سال سرفا می از سلفا رفیق سیرت در راه انقلاب است حکا سدر ستم، او در سال ۵۶ پس از پایان خدمت اجاری به ادا به تحصیل پرداخت، اندک اندک که سیم میا رزه جرمین و روش به دهی توفانی انقلاب میداد رفیق جمپور با همه وجود به انقلاب روی آورد، در محله فرات بوده های سها ها به شهز نشانی فعال اینستا می نمود، و سوا پیش صف تمام تلاش را در راه هدایت هر چه آتشی با بدبیری مواج میا رزه بیگرا میست، او هم چنین در انحصار طوبال الحدت مدرسه عالی مدیریت در سال ۵۷ در موع رفیق قرار داشت.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

پنجمه، در صفحه ۳



پیاد کمونیست پیکارگو، رفیق شهید مجید نگهداری



کمونیست پیکارگر رفیق مجید نگهداری همراه با ۱۲ رفیق همروز خود سیزدهم انقلابی مجاهد روز ۳۱ شهریور به دست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی شیریان کربید.

رفیق مجید در ۳۱ تیر ۳۷ در تبراز در خانه نواده ای زحمتکش بدنیا آمد. برابط زندگی او با اردوها و رنجهای زندگی در خانه طبقاتی آشنا کرد و رفیق آرا را میسر ما زده سیاسی و انقلابی گشا شده است. مجید در روزهای پیکار مبارزه کرده ها در سالهای ۵۶-۵۷ با تالی حتمی تا پذیرد در راههای توده ها از منظم با بداری و استفاده از لیت سکرود در جهان قبا میا جانفنا سی سوانست مفا دهری ایلمه بدست آورد که در اخبار انقلابیون گذاشت پس از قبا میسر نگه میسر ما د رفیق مجید در مبارزه های گراون پیکار شرکت کرد و با اعصاب دینه آرا مان سرخ طیفه کارگرسام هم توان خود را در خدمت راهی زحمتکش ن سرار داد. او در جریان شرکت در مبارزه های گراون پیکار در جریان و تروپین ما گروه "انقلابیون آزادی طبقاتی کارگر" را ساط پیدا کرد و در صحنه لیت انقلابی و کمونیستی این در صحنه طبقاتی کارگر از سواد برای گسار آکا هکرا سدر میا ن کارگرا ن تهرمان در کارخانه سید ساری مسول کارخانه ما ظاهر محبوبیتی که در اثر پیکاری و تلاشهای فداکارانه و انقلابی در میسین کارگرا ن پیدا کرده بود سیر لیل فعالیت های بی از کارخانه خارج کردید. پس از وحدت گروه میسور ساسا مان ما در مصوف سا مان پیکار در راه آزادی طبقاتی کارگر مبارزه های خستگی ناپذیرش را ادامه داد و رفیق

مجید در حالیکه برای وجودش ملو از عشق رهائشی زحمتکش بود همچون کمونیستی استوار و فیر مسان در مبارزه های خود در ۲۳ سالگی به دست سید سوزوران جنا پیکار رژیم جمهوری اسلامی شیریان کربید.

یادش زنده و راه سرخش جا زید بسا د!

بسیه از صحنه ۱۱ قبا م ۰۰۰
دوران موفقیت انقلابی بطور عمده حاکم مسلحانه توده های را مورد توجه قرار داده توده ها را به این منظور متشکل و بسیج کرده برای پیکار قطعی در لحظه مبارزه مسلحانه توده ها به نبرد مسلحانه نبراست. کمونیستها همواره این دوره ها را بهترین دوره های تاریخ هر جامعه میدانند. ما کمونیست لنینیستها در مقطع موفقیت انقلابی و لحظه نیا ما ست که قبا میا جنگ مسلحانه توده های را سیاسی ترین شکل مبارزه توده ها میباشند و در صورت لزوم حتی پیش از آن لحظه قبا م از انجام شروهای سرخ نیز با نخواهند کرد. لنین انجسام مبارزه مسلحانه را پیش از موقع برای امر انقصاب بسیار خطرناک می دانند. لنین در بیما ری جیس روی قبا طما نه میگوید: رسال پینا هک توده ها تنها به پیکار قطعی جنگ مسلحانه نبره است مهلک برای امر انقصاب. چرا که بورژوازی مستواند پیش از پیکار مدکا مل جنبش سوده ها را از پینا هکرا ن انقلابی میسور سوزاد پیش از سر رسیدن موفقیت انقلابی با پستی کارگرا ن و ما بر توده ها را هر چه بیشتر ما مبارزه های اقتصادی و سیاسی، اعتصابات، تظاهرات و... را تکلیف طبقاتی سوده ها را آکا کرد و متشکل نمود. طبقاتی است آنگاه که طوفان فرار رسد و توده های طبقاتی سوده ها و پینا هک و رهبر آنها با نبره پیش تا حتم و ناسین دولتی بورژوازی با نیروی جوسان تهر انقلابی توده ها در هم کوفت اما نه پیش از این زمان.

مدین توشب اگر انقلابیگری خرده بورژوازی شیریان شدن خود را با دشمن جنگ مسلحانه نمی تابد و در نتیجه ساج فعال کردن توده ها، آنها را با رباط رگسار زورآزماییهای خود با دشمن میسور سوزای آموشی بین مبارزه سوده ها و آکا کردن آنها در گراون مسار ارد طبقا نی، خود بهیای آنها میسور سوزای کمونیستها جنگ مسلحانه را نیز مانند همه ایگال در کبر ما رزید سورت توده های میخواد هند چرا که در مبارزه سورت عمل حسدا از توده ها انقلاب نگه سوده ها را در بر سوا هداست وی دانیم عمل توده های ما بطور کد لنین در سخراسی خود رگسار دوم کمینترن از آن سخن میگوید که کرسی است که هزاران هزار کارگر و زحمتکش غیر حزبی خواهد تحت نفوذ فرامین و با بطور خود سوزادی به آن دست بزنند.

با چنین تحلیلی است که بلشویکیا رهبری قبا م مسکور در ۱۹۵۵، قبا م توده ها را در فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ به عهده میگیرند ولی لنین قبا طما نه با سوسیال رولوسیونرها خرده بورژوازی که به انقلاب روسیه نبره میزنند مبارزه میکنند و آنها را سنا سنده هفا نان و خرده بورژوازی می شناسند که تنها نوسانات طبقا نی خان را سنا سندن میکنند و با چنین تئوری علمی است که کمونیستها در چین و ویتنا موالیانی و... توانستند ما نین دولتی بورژوازی را خرگد کنند.

ما در باره شرووتا کشیکها و اشکال مبارزه با زهم سخن خواهیم گفت چرا که نرا انقلاب، عظیم تروپ سس مسئولیت تر از آن است که ما تابع آن نیروها سس شویم که کادسسال نوازه های بورژوازی را موطبیخ بدنیا لسان روان میسور سوزا که عصبانی و خشمگین می توده سوده ها و سطح جنبش توده های آئینده انقلاب با آن در کبر میسور سوزا چرا که اگر سیروزی جنگ مسلحانه توده ها را بر علیه رژیم ارتجا می کشونی میخوادیم میسور سوزا درستی شروورا در شرایط کشونی دفاسته به بیسج سیاسی توده ها، تدارک اعتصابات و تظاهرات وسیع سیاسی بر علیه رژیم فلفلی کشونی بها نیزیم.

در گروه های آدم سوزی رژیم خمینی:

شیا نه جلوی درب خانه پدرش میگذارد. صبح بیدار سچین ساله و جنبه های روبرو میسور سوزا چا سسسی برای دفن فرزند شهید خود نشاند آرا در منزل حدود دهن می نماید!

رژیم برای بدنام کردن انقلابیون و شورا سندن اهرادنا آکا علیه آنها ن، با تمام قوای ارتجا عسسی و جهشی خود میسور سوزا مامات و جنبه های راه آه نسان نسبت دهد. رژیم حتی حود دست به نیا نی علیه سس اهرادادی کوچه و بازار می زده و ادعا میکند که این کار انقلابیون مخالف رژیم است. انجا ریمب در خیابان با سوز که منجر به کشته شدن چند نفر گردید از این نمونه است. طبق اخباری که به دست ما رسیده دو ساعت قبل از وقوع انفجار در خیابان با سسور، با حاداران منطقه را کنترل میکرده اند و اجازتی ندادند که تومبیلها تا انتهای خیابان سیروز رژیم نهد. زمینه را برای انجام آن جناست فراهم میکرده است. این با ردم خروس نه فقط از زهر میا بلکه از میمی که در درون یک اتومبیل واقع در خیابان کنترول شده با سوز سیروز زده است شگردهای رژیم تا زیا نه و دار یکی و دوتا نیست ولی رسواچی هر کدام از آنها مسرک رژیم را نزدیکتر می سازد.

کنده میسور سوزا اعداد موحسانه ۱۵ رفیق کمونیست و دلیر ما ارتجا دادی، احسانی، حسینی، خانی، زرگری و... در تاریخ ۳۱ تیر ما ۶۰، در زندان اوین، فقط یک با سار سیراندا ز وجود دانسته است. حتی رسم جلادان رژیم سیاسی فلفلی این است که برای هر مردا عداسی دوسیراندا ز وجود دانسته باشد ما محکوم سیر ستر از رنج خلاص شود.

اما ما زیا نه و ادرست نا خاشن هم در این مورد از سس سندانست.

حنا زهیک انقلابی مجاهد را به خانه نواده های تحویل میدهند. آنها جنازه فرزند را به روستای خودشان (در سوال) میسور سوزا را و اسفبال و بی زکد است قابل ترحمی بعمل میآورند. اما ما جناست دهه از این مسر نا را خست میسور سوزا شیان را سنا نه در مسج مسج میسور سوزا ساس فریما رینها و شیا دینهای خود سس روستا شیان میگوید که: پس این فرد خاک میسور، از خاک غلب سیروز و کوسندن شمان از آن علفها می سوزد. سیر کوسندن را به جدا هفا نان خواهد خورد و همه سنا فنی میسور سوزا!

روستا شیان نا آکا که تحریک شده سوده نه میسور از آن انقلابی هجوم برده، سدر بیرون می کشند و آرا به دستور آخونده سکه تکه کرده در یک گونی میسور سوزا و

پیکار

"حزب توده" و "فدائیان اکثریت": نوکران و جاسوسان رژیم جلاد جمهوری اسلامی

سرما به داران برای آنکه دستها را از دستهای خود جدا کنند، ما بدکاران و زحمتکشان را میبندد و برای آنکه سینه‌های ما را دراز کند، ما را با خود میبرد و بدکاران را در کنار خود نگاه میدارد. بدکاران و زحمتکشان را با سرما میبندد، اما این نوکران کدکاران نگهبان سوزواری میباشند، همان نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در مورد روی زمین میباشند. این افراد در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

آری، همین در مورد ما و کمپانی های دروغین یعنی روی زمین میباشند. همانا نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما" آری، همین در مورد ما و کمپانی های دروغین یعنی روی زمین میباشند. همانا نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

همانطور که صدای سوزواری جمهوری اسلامی در طول دریا با کما کما شناسایی خود میبیند، در آنجا برای او کما کما در میان ما در میان نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما" آری، همین در مورد ما و کمپانی های دروغین یعنی روی زمین میباشند. همانا نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

۲۰۰ که دست و پا از دستهای خود جدا کند، ما بدکاران و زحمتکشان را میبندد و برای آنکه سینه‌های ما را دراز کند، ما را با خود میبرد و بدکاران را در کنار خود نگاه میدارد. بدکاران و زحمتکشان را با سرما میبندد، اما این نوکران کدکاران نگهبان سوزواری میباشند، همان نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در مورد روی زمین میباشند. این افراد در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

آری، همین در مورد ما و کمپانی های دروغین یعنی روی زمین میباشند. همانا نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما" آری، همین در مورد ما و کمپانی های دروغین یعنی روی زمین میباشند. همانا نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

همانطور که صدای سوزواری جمهوری اسلامی در طول دریا با کما کما شناسایی خود میبیند، در آنجا برای او کما کما در میان ما در میان نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما" آری، همین در مورد ما و کمپانی های دروغین یعنی روی زمین میباشند. همانا نوکران و زحمتکشان را میبندد، اما این نوکران کدکاران در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

بطور فزاینده ای، ما و همکاران خود را در جبهه مبارزه با دشمنان کمونیستی و انقلابیون را با خود کرده و آنها را بدترین و بیگانه ترین افراد در کنار ما میبندد، اما این نوکران کدکاران در مورد روی زمین میباشند. این افراد در دنیا در طریق ما میباشند و سوزواری کرده اند. "وظیفه بدکاران در انقلاب ما"

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

یورش کینه توزانه رژیم به کارگران مبارز بندر عباس

(انحلال شورای تخریب و بازگیری کارگران اسکله بندرعباس و دستگیری اعضای شورا و اخراج کارگران)

در تاریخ ۶/۷/۶۰ با صدور چهار عضو شورای تخریب و بازگیری اسکله بندرعباس و یک نفر متردار و احتمالاً یک یا دو تن از کارگران و دستگیروندانی نمودند و کلیه مدارک و وسایل شورا را همراه با اکتاف سیاه شورا به دفتر مطول شورا - راکه در اسکله مستقر بود شتابان به هیات خود بردند. سپس از انحلال شورا ۶۳۰ نفر از کارگران را اخراج کردند. کارگران پس از اطلاع از جریان فوق روزه نشسته ۶۰/۷/۶۱ (عده ای از آنان) بطرف ایستادگی راه پیمایی میکنند و آزادی اعضای شورا و تشکیل شورا را خواستار میشوند. نتیجه این سخن گیری که کارگران برای آزادی اعضای شورا چندین بار به دادگاه انقلاب و سپاه پاسداران مراجعه میکنند. اما مسئولین رژیم جواب بدی به آنها نمی دهند و آخرین حرفی که ایستادگان به آنها می زدند این است که "خواب اول" - شورا بی شورا - اگر می خواهید بشوید و بشوید در شکرکشی و شاموشی بصورت پیمایی کسار کشید، تا کسور هیچک از کارگران قبول نکرده اند که در شکرکشی و شاموشی کار کنند. در این راه کارگران برای پیگیری کارشان و اینکه به چه دلیل شورا منحل و اعضای آنرا دستگیر کرده اند، یک هیئت ده نفری از کارگران را انتخاب و به شهران فرستاده اند تا امروز (۶۰/۷/۶۱) از نتیجه کار این هیئت خبری به کارگران خبر رسیده است. کارگران ضمن پیگیری جریان از طریق نتیجه کار این هیئت هستند تا تکلیف خود را روشن کنند. فعلا عده ای از کارگران اخراجی برای گذران زندگی دستفروشی میکنند.

درحاشیه این خبر توضیح زیر را مفید میدانیم:

چگونگی بوجود آمدن شورا

آن عده از کارگران اسکله که بصورت پیمایی و از طریق پیمایی کارگران در اسکله کار میکردند و تنها حقوق روز مزدی داشتند و روزها شیکه با تخریب میسودند در این می داشتند در روزها شیکه کالا برای تخریب میسودند حقوقی دریافت نمی کردند و از کلیه مزایا و مکانات نیز محروم بودند. این امر تا مدتی پس از نایب منبیز وجود داشت. پس از قیام محبت کار و آگاه کارانه کارگران مبارز و نیروهای انقلابی کارگران در صدد ایجاد شورا

تعیین از صیحه و خطابه به ... صفوف خود را متمرکز کردند تا بحال خود سقوط ناکزیر خویش را مدتی دیگر به تاخیر نماندند.

سرزمان! شوه های بیجا خاسته ایران به انقلاب دمگرا شک شد. میریایستی خود استوارانده میدهند و در این راه یاری کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و متفرقی و جنبش های رفاهی بخت ملی در برابر چوب یک میسک میسختنارنا سیونالیستی برای آنان بسپارند و فروری است.

استلور تخریب و متحد میکنند. به این جهت است که دولتها که میباید واگذاری پمپها وزارت (۰۰۰) بسپارند و اینها را وسایل شویند و کما به دادن انحصار فعالیت علمی و بلا مانع به آنان (۰۰۰) آنها را مسورد پاداش قرار میدهند. (ابور تومیم و ورشکستگی انترنا سیونال دوم)

امروز رژیم که کارگران مبارز و کمونیستها و انقلابیون را بهیر حمانه نکشتار میکند، در برابر خیا سنت رویزیونیستها نسبت به طبقه کارگر به آنها پسا دانش میدهد. پسا برای این اگر حزب نبوده و اکثریتی با و دیگر فعال بورژوازی توسط رژیم بر سر سمیت شناخته شده و دارای فعالیت قانونی میباشد. امری اتفاق می افتد. نسبت این امرها که از آنست که آنچیز رویزیونیستها انجام میدهند در انطباق کامل با منافع بیستورژوازی قرار دارد. بورژوازی لطمه ای در برابر کارکنان خود می اندازد تا آنها بهر علیه انقلاب پارس کنند. امروز کارگران و زحمتکشان سپهر مادر ترسیده غمخود یکبار دیگر درک میکنند که رویزیونیستها دشمنان نلیقانی آنان بوده و افراد ذری هستند که بر دستشان خون آلود جلادان و زحمتکشان بوسه میزنند. کارگران و زحمتکشان کشور ما یکبار دیگر بهر جهت قضاوت لایسین دربار رویزیونیستها می خاش آلمان بی میسوند لنین گفته بود: "مقارن با دهه دوم قرن بیستم، در این حزب کارگری ما کمیتی آلمان که در سنجی است

جبهاتی حزب نموده است. یعنی از نا بکار در سنجی آرا را ل و بلندترین دون فطرتان که خود را به سرما بدید داران این روحیه اندازار تا بدمان و نسکه گرفته تا دا وید و لژیس، این منمورترین جلادانی که از زمین کارگران بر خاسته و به حدیث ملامت و سوژوازی هدا انقلابی کشیر بر سندانند فرا گرفتند. (انترنا سیونال سوم و

مقام آن در تاریخ، تا که بدات از ما ست) آری به ضرور سیز در حربه توده و سازمان فدائیان اکثریت افسراد با بکار و منموری جای دارنده خود را به سرما بدیدان نوزده تا دویز برای کشتار کمونیستها و انقی و سایر آرا دیخواهان توسط رژیم کف میزند و هورا میکند. سیاست طبقه کارگر نسبت به این خاشمین به سه سوسیالیسم چیست؟ امروز طبقه کارگر هرگز نمیتواند حتی یک لحظه در افقای بهیر حمانه رویزیونیستها (چه حرومیتی و چه سیاسی) به میتا به سوکاران بیستورژوازی کوشا می کند. طبقه کارگر میداند که ایمن جزا ردوکار سرما به بوده و علیرغم تمام ترنگ و لعاب با کسبای "ما کمیتی" خود اسرا ده منموری هستند که به ما کمیس لنینیسم خیا نت نموده اند. طبقه کارگر میداند که اگر چنانچه همین خاشمین پس فردا بقدرت بر سندهیست دست کمی از هیتلر، تا خاش و خمینی جلاد نخواهند داشت. رویزیونیستها نیز همچون همه تبهکاران تا تاریخ به جلادی طبقه کارگر و کمونیستها خواهند برداخت. هما نگونه که انترنا سیونالیستها می فرمائی چون لنینیست و لوگرا مبروک توسط رویزیونیستها ی رذل آلمان به گلوله بسنه شدند، هما نگونه که امروز همه رویزیونیستیانی که در قدرت هستند به سرکسوز و عشیا نه طبقه کارگر برداخته و کمونیستها را به زندان انداخته و یا قتل عام میکنند. پس فردا رویزیونیستهای وطنی و از جمله حزب توده و فدائیان اکثریت چنانچه بقدرت بر سنده قتل عام کمونیستها را سختین اقدام خواهند نمود.

اما طبقه کارگر چاره نخواهد داشت و رویزیونیستها بقدرت بر سنده طبقه کارگر در انقلابی که در سنجی است، رویزیونیستها را در دادگاه انقلابی خود میسختند و کشته و سزای خیا نشنا پشان را خواهند داد. (طبقه کارگر)

برمی آیند تا بتوانند به خواسته های خود برسند. همین مبارزاتی که کارگران داشتند و تنها پیمایی که بر علیه کارفرمایان نمودند، عده ای از کارگران کمونیست و انقلابی دستگیروندانی و اخراج شدند. سال ۵۸ - سرانجام کارگران مومین شدند و شورا را تشکیل داده و نمایندگان می گزیدند. اما در دفاع نما پیمان انتخاب کنند. شورا شواست از طریق کمکهای کارگران (بعضی حق عضویت) خود را اداره نما بدو از خواسته های کارگران دفاع کنند. من جمله پرداخت حقوق ثابت برای تمام روزهای ماه، حق اولاد، حق مسکن و سایر مزایای حتی در موافق تخریب کالا وجود داشت.

رژیم پس از انحلال شورا ۶۰/۷/۶۱ به کار رگساران پیمپها دگرده است تا در شرکت های شاموشی (مجموعا ۹ شرکت) شاموشی در اسکله بوسیله رژیم کار میکنند. به سه صورت پیمایی کار میکنند. تا اول قدرت و شاموشی تا در تشکیل شورا از زمین بهیرد شاموشی بسیاری از مزایا و حقوق آنان را قطع نماید. و بهیتر از همه دستمزدهای روزها میسختند و شاموشی گشتند قطع شود، از آن گذشته نمیتوانند بدون شورا و شاموشی در هر زمان که خواست کارگران را اخراج نمایند.

در حال حاضر بجای کارگران اخراجی از کارگران ساده افغانی و پاکستانی استفاده میشود. به نظر ما چون کارگران از سطح آگاهی نالایی برخوردار نیستند، اسیدوار سیکه رژیم به آنها کمک کند و کارگران - اعضا شورا - را که از منافع آنان حمایت میکنند آزاد نماید. اجتماعال پراکندگی و تا پیگیری کارگران زیساده میساخته و بدون داشتن شورا نه تنها نمی توانند به سر کار برگردند بلکه قادر نخواهند بود بسیاری از ادی نمایندگان نشان نیز فعالیت کنند.

سیاه تجمیع کارگران را که ناراضی هستند از دور زیر نظر دارند و سعی میکنند تا شورا "دست بمر" نمایند. چون بهیتر شاموشی شورا از پیگیری قاطعی برخوردار نبوده اند. احساس از همبستگی اتحاد کارگران زیاد می باشد ولی در مجموع کارگران به "عما" شورا اعتماد دارند و هر کدام آرزو میکنند که آنان آزاد شوند. ولیسی واقصیت امروزه است. حاکم به آنان خواهد شد. قیامانند که بدون شکل و سازماندهی خواسته های پیمان نخواهند رسید.

(خبر و توضیح فوق از طرف رفقای هیئت تحریریه پیکار رخلیح، برای ما ارسال شده است.)

به یاری انقلابی ایران و بنام سید دوست خلقهای ایران را دروازه کوشی رژیم آدمکن جمیوری اسلامی خمینی بشمارید.

مرک بر میریایسیم و انجباع! سرنگون باد رژیم جمیوری اسلامی ایران! برقرار باد دیمستی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان! برقرار باد جمیوری دمگرا شک خلق در ایران!

ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۶۰/۵/۶۱

گروه جمیوری دمگرا شک را برپا خواهد نمود و دیروز صنداشه جمیوری سوسیالیسم پیش خواهد رفت.

خطاب به:

کارگران و زحمتکشان سراسر جهان
نیروهای کمونیست و انقلابی و مترقی سراسر جهان
حلقه‌های تحت ستم و جنبش‌های رهایی بخش سراسر جهان

هم‌زمان!

این نامه سرکنشده، دربار کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست ایران است. برپا می‌دهد که از حلقه‌های کمونیست ایران بی‌سایر مردم ما بیرون می‌گذرد. برپا می‌دهد که از زنده‌سازی نیرو و انقلابی و صیانت‌های نیرو که رژیم‌های سراسر ستمی ما و در هر کجای دنیا را این کشور برپا کرده است همچون ستم‌های سرخ‌رنگانه می‌کند.

همانطور که شما می‌دانید ستم‌های زحمتکش میهن ما سراسر ایران در از دست دادن انواع ستم‌های طبقاتی و ملی و سراسر ستم‌ها را به‌یاری کوشش‌های سراسر زحمتکش ایران انجام می‌دهد. برپا می‌دهد که ستم‌ها در این راه در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

انقلاب دمکراتیک فدا می‌شود که ستم‌های ستم‌های زحمتکش ما در نتیجه راه‌یافتن ما نسبتاً تاریخی که ستم‌های سراسر دنیا و ستم‌ها در هر کجای سراسر جهان است. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

انقلاب و مبارزه با ستم‌ها در هر کجای سراسر جهان است. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

همان‌طور که شما می‌دانید ستم‌های زحمتکش میهن ما سراسر ایران در از دست دادن انواع ستم‌های طبقاتی و ملی و سراسر ستم‌ها را به‌یاری کوشش‌های سراسر زحمتکش ایران انجام می‌دهد. برپا می‌دهد که ستم‌ها در این راه در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

انقلاب و مبارزه با ستم‌ها در هر کجای سراسر جهان است. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

بسیاری از ستم‌ها در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

ما ستم‌ها را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند. برپا می‌دهد که ستم‌های سراسر جهان را در پی ۱۷۰۰ ساله ستم‌ها در این کشور می‌کند.

پیکار

شماره ۱۱۶

سرما به داران و امیربا لیبها بیورش میسر میسند و سربا به های ارتش سرخ کارگران و زحمتکشان میسند سرما به داران را در هم گویند، احسان غرور و امیربا لیبها میسند و سوزواری از احسان تا مونس مرکت در فرمادی سرخ آزادی کار، هم ایک بی خود میسند، آری بگذار آتش بسطلها ی کارگران سینه بورژوازی را ببرد و نوپهای کارگران و زحمتکشان ارتشهای نیرو میسند امیربا لیبها و سرما به داران را سزا نودر آورد، روزه های روزه بیویشتها هرگز سوزواری در هم گویند و سوزواری جلوه گیری، کموسیسها عا شس حوسریزی نیستند، اما برای از بین بردن سرکوب و استثمای روتکتا روشنگر و زندان، مجبورید کلکوله های بورژوازی را با کلکوله، آتش و خون را با صلح با سح گویند، نسبا و نشها با این راه ها هدید که در فرمادی پیروز گویم سرسرا سرچان، دیگرا زکتنا سرکوب و تیریا را با و سکه خیری نخوا هدید، تیریا رسیدن به این هدف با بد آن طنمه های را که جز استثمای سرسرا ک چیزی به ارفمان نمی آورد و دولت ها می آرزایا تهر صلحا به در هم گویند، سحا طررها می کارواختن جا سه نوین فردا است که کمونیسنها عا شقا نه برای انقلاب صیرز سد و در این راه عا شقا نه قیام صلحا نه سوده ها را تدارک می بینند، آری کمونیسنها عا شق استغابند، چرا که برای رها شی زحمتکشان پیکار میکنند، پیسی زنده ها با انقلاب، زنده ها دفر صلحا نه سوده ها، زنده ها با آتش سسک، آسختکا که طبعه کارگر و دیسسر زحمتکشان آرزایوسی دشمن استثمای سرکوب میسند زنده ها بدفرت سیاسی کارگران و زحمتکشان که نشها از لوله تفنگ پیرون میاید، زنده ها بد آن تفنگی کدر کسار داس و چکی کارگران، فرا گیرید، زنده ها بد آن تفنگی که چکت کارگران رهبرش میاند! پیروز باد آن ارتش سرخی که با نیروی صلح سوده ها تحت رهبری طبعه کارگر امیربا لیبها و سرما به داران جلوه گیری!

آقا قانونمندی قیام و جنگ مسلحانه توده ای

اما اگر قهر صلحا نه، عا عده عمومی هر انقلاب و نالوده ما رکیسم است، و هما نیکو سده کلین میسند مورد شاتر کموسیسها است، آبا این بدان معاست که در هر سکا که مدعوا هم میسوا نشها این قاعده عمومی وسه اس "ما می عا معنویین متول بویم؟" ما رکیسم نیستیم، بر زمین میسای کودکی و زمین شامل ساری حرد بورژواشی از شوری ما رکیسمی جنگ صلحا نه حظ سلطان میکند، ما رکیسم میسند، سارزه صلحا نه امی ناگزیر و اجتناب نا بدیراست، ما رکیسم میسند، سارزه صلحا نه عالینترین شکل سارزه انقلابی است، مبارزه صلحانه سوده ها، حتی کمونیسها است، اما سها یک کاسیکار خرد بورژوا کد تحت فشار سرما به ارفسی سافسده است، این شوری را بد سسکوند می نیست که هر موقع دلش خواست با هر موقع سیز از بیست تحت فشار بر گرفت و هر موقع سها بلات آسین اوزای برای ارما، می بافت، میا پیسی دست به اسلحه سورد، شوری جنگ صلحا نه یک شوری علمی است در سسجه با او امیبا سسروکار دادر نه با ذهنیات بر آسند و خنما کین حرد بورژواها، آری، جنگ صلحا نه ما می هر جا مع برای متولد کردن جا معطر ا ز نوین است، اما هر ما می معنی سزمید، ندکه هر موقع که دلش سوزا هد میسوا سندا سوزا میان را به پیش میرد، روشند انقلاب، بیک روشنا قیومند است، سها ذهنیات خسب سوزد، زمینشوا به جنگ این روشند، بلکه با سستی امین

رو در اشاع و آنگاه آنگاه سار آن سار کذا شد، کموسیسها معقدند که انقلاب کار سوده ها س و سد س - ترنسب اشکال سار ره خود را سطلن سرطخ جیسشی سوده ای سزمکرسد و سار کدا، سها ای آنگا سها سنان میسود سسوسه ساراب سوده ها را ارتعنا سسده و آنها را سسکل و آنگا سها اشکال عال سرحس سکا سده و با آنها رادر همه سار را نشان رهبری می سسند، ما رکیسم - لکس سسسم ساراب کبری سار ره صلحا نه عسقا و فدا س و سیز میدا ندکه دوره های دریا سح سکا مل حرا مع سسین می آسکه سوده ها سیر ما سها سیرک را بدیرا میسود، فوج فوج در مقابل شاتسها می س است و سوی آسکه قدمی به سس بکدارند و لاورا سسسه می سسند، این دوران مرخلدای است که با سشی سها دیگرمسوا سندا کسب استثمای سرکوب طبقات ساستما رگرا تحمل سسدر و سس ریریا می لانشیا را آنفدر داغ کرده سکا لانشیا سسرسسوا سسده سسده ما بق سربا نشها حکومت سسند، سحران عس سسند عرصه ها، اجتماعای سیاسی و... عا مع سها رندیا می رادر هم سوزدیده و سوده ها برای انقلاب سها خوا سسند در همین رسبه سسین میسود؛ آبا سون امامی انقلاب که تمام انقلابها و از جمله سها انقلاب روس در سسین میسند، سزارتا سسده سوده ها را این سار است، سسرا - انقلاب کانی نیست که سوده های استثمای سرسند سسکتن به عدم مکان زندگی به سسوه ساق می سسند و سشیر آسرا طلب، سها میاید، برای انقلاب ضروری است که استثمای رگرا سبتوا سسده سسوسه ساق زندگی و حکومت کند، فقط آن سسکا می که "ساشنیها" حطا مکنید را سسوا هدید، ما لاشیها "تیریا سسده سسوسه ساق ادا سسده دهد، فقط آن سسکا انقلاب سسوا سسیرور کرد،" (سپاری کودکی "حردی" در کوسس، در حس شرا سش با پیسی سسها س تمام سسوه سار ک توری قیام صلحا نه (و در کورهای سسده سسوال - سسسد معتمره جنگ صلحا نه سوده ای، سسوا سست، بلکه در مواقع ضروری دست به سرور سرخ اسرای ساسونی سار سها اهمیت ارتش و دستگا سوزگرای سوزد.

آری، مبارزه صلحا نه سار کزیراست، اما سسها سش از اینک سسین سوده ها، بیک روشنا سسوسمدار سش کید، سس از آنگاه سسین یک سحران عس که سار سسده داره سسید سحر سکا سسکا سسوس سسوز آن کامر سسدارد، سوده ها، سسما رزده سسده سسود سسوار را راک استغاب استغابی و یک سسرا مدوع سسوی سسوسه استغابی آورد، سسوسس که سوده ها دیگرا سسیرور کرد سس جا سسسانی برای امیربا لیبها سسده سسده، ارا سسین دورا سسها سرازون دریا سسح جهان سراز دار سس، دورده ها شی در سال ۱۹۵۷ و ۱۹۱۷ در روسه و سسسلورار ۱۷ شهریور ۵۷ سسده سسها سار مسوان سسوان سها سده ذکر کرد.

کموسیسها سستی کودتا جی ویا سوظنه کر سسند، آسها به ضرورت جنگ صلحا نه معقد سوده و سسند که قدرت سیاسی رادر ان ساط ساطعه سوده ها سسسد، سسها انقلاب را برای سوده ها وسد سوده ها میسوا هد وسدا سسند که هر حرکتی سزار سس، هر کسرا م انقلاب را سسور سسوا هد که سس، انقلاب را سیاسی سوده ها به انجام برسا سسد، سس با سستی سوده ها و اسرای امیربا لیبها آمده کرد، سسوسه سسین سوده ای را مورد توجه سسار داد و سساق با آسها تا کمسکهای خود را سکزید و اشکال مضع صاره طبقاتی را سسده کرد و در هر دورده یکی از اشکال عمدنا سسده است، انواع مساراب اشقا دی، آسها سها با اقتصادای و... انواع مساراب سسها می، سطا هرات و عسها با سس سیاسی و... سسار نا م در سسبه در صفحه ۶

قیام و جنگ مسلحانه توده‌های یا تروریسم جدا از توده

اکنون ما دیگر تروریسم را با چریک‌گری به صورت یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما درآمیخته است. مسئله‌های گوناگون ما طریقتاً با هم آمیخته است. مسئله‌های گوناگون ما طریقتاً با هم آمیخته است. مسئله‌های گوناگون ما طریقتاً با هم آمیخته است.

در حالی که در گذشته ما در مورد تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

ما باید بدانیم که تروریسم و چریک‌گری به صورت یک مسئله جداگانه و مستقل از مسئله انقلابی ما در نظر می‌گرفتیم، اکنون ما این مسئله را به عنوان یک مسئله سیاسی در ضمن انقلابی ما در نظر می‌گیریم.

اهتمام فخر انقلابی در تاریخ

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

مقدمه در صفحه ۱۱